

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



پندرہ روزہ
۱۱/۴/۱۳۷۸

دانشگاه فردوسی مشهد ۱۱ / ۴ / ۱۳۷۸

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دکتر علی شریعتی



پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

بررسی موضوعی شعر دوره مشروطه

اساد راهنما

دکتر سید حسین فاطمی

استاد مشاور

دکتر تقی وحیدیان کامیار

نگارش

سید اکبر حسن پور

۱۲ / ۲۷۲۵

۱۳۷۴

تقدیم به:

ستارگان بیکران آسمان زندگی
«پدر و مادر»

«فهرست مطالب»

| صفحه | عنوان |
|---------|--|
| ۱..... | پیشگفتار..... |
| ۳..... | بخش اول: بررسی جریان‌های فکری، سیاسی و اجتماعی دوره مشروطیت..... |
| ۸..... | محور و اصول اندیشه‌های روشنفکران:..... |
| ۸..... | الف) ناسیونالیسم..... |
| ۹..... | ب) عقل‌گرایی (ناسیونالیسم)..... |
| ۱۰..... | ج) مخالفت با خط و الفبای عربی..... |
| ۱۳..... | د) مخالفت با روحانیت و احکام اسلامی..... |
| ۱۶..... | فراماسونری..... |
| ۱۷..... | فراماسونری در ایران..... |
| ۱۸..... | فراماسونهای ایرانی..... |
| ۱۹..... | نفوذ فراماسونری در میان روحانیون..... |
| ۲۱..... | مردم عدالتخانه می‌خواستند یا مشروطه؟..... |
| ۲۴..... | روحانیت و جایگاهش در حرکت‌های ملی:..... |
| ۲۶..... | الف) ویژگی روحانیت در ایران..... |
| ۲۷..... | ب) روحانیت در زمان مشروطه..... |
| ۲۸..... | ج) نبرد مشروعه و مشروطه..... |
| ۲۹..... | از بمباران مجلس تا کودتای ۱۲۹۹..... |

| | |
|----|--|
| ۳۲ | بخش دوم: زبان، تصویر و محتوای شعر مشروطه و دوره رضاخان |
| ۳۴ | شاعر حقیقی |
| ۳۵ | مسئولیت شاعر |
| ۳۷ | ویژگیهای شعری قبل از مشروطه |
| ۳۸ | ویژگیهای شعری دوره مشروطه |
| ۳۹ | ویژگیهای شعری دوره رضاخان |
| ۴۳ | مبارزه کهنه و نو |
| ۴۴ | آغاز شعر نو |
| ۴۷ | فدایی شعر معاصر |
| ۴۸ | انتخاب نیما |
| ۴۸ | الف) وزن |
| ۵۰ | ب) قافیه |
| ۵۱ | ج) تصویر |
| ۵۲ | د) زبان |
| ۵۲ | حرکت شعر از «رماتیسم» به «سمبلیک» |
| ۵۴ | نوآوری در فرم و محتوی |
| ۵۶ | نوآوران |
| ۶۳ | تصویر پردازی |
| ۶۴ | الف) تصویر کهنه با واژگان جدید و موضوعات تازه |
| ۶۵ | ب) تصاویر جدید |
| ۶۷ | واژگان شعر مشروطه |
| ۶۷ | الف) واژه‌های آرکاییک (باستانی) |
| ۶۸ | ب) واژه‌های عامیانه و رکیک |

- ج) واژه‌های بیگانه ۶۸.....
- د) واژه‌های اداری ۶۹.....

بخش سوم: موضوعات شعر دوره مشروطه

- الف) موضوعات سیاسی و اجتماعی: ۷۱.....
- طنز ۷۲.....
- شیوه‌های طنز ۷۴.....
- طنزهای شعری دوره مشروطه ۷۵.....
- الف) طنزهای سیاسی ۷۵.....
- ب) طنزهای اجتماعی ۷۸.....
- ج) هزل و مطایبه ۸۱.....
- د) پارودی (parody) ۸۴.....
- ه) هجو ۸۵.....
- ۱ - هجویات سیاسی ۸۶.....
- ۲ - هجویات شخصی (تسویه حساب) ۹۰.....
- مدح ۹۳.....
- الف) مدح پیامبر اکرم (ص) و ائمه علیهم السلام ۹۳.....
- ب) مدح مشروطه خواهان و بزرگان (ملی) ۹۵.....
- ج) مدح سلاطین و درباریان ۹۷.....
- مرثیه ۱۰۱.....
- الف) مرثیه‌های مذهبی (بزرگان دین) ۱۰۳.....
- ب) مرثیه‌های غیر مذهبی ۱۰۵.....
- ۱ - رثای ملی (قهرمانان ملی) ۱۰۶.....

- ۲- رثای بستگان ۱۰۹
- ۳- رثای دوستان ۱۱۰
- فخریه** ۱۱۲
- حبسیه** ۱۱۶
- انتقادهای سیاسی و اجتماعی** ۱۱۹
- الف) انتقاد از اوضاع اجتماعی ۱۲۰
- ب) انتقاد از شاه و دربار ۱۲۶
- ج) انتقاد از کابینه ۱۲۷
- د) انتقاد از مجلس ۱۲۹
- ه) انتقاد از عدلیه ۱۳۲
- و) انتقاد از انقلاب مشروطه ۱۳۴
- ز) انتقاد از عمال شهربانی ۱۳۵
- ح) انتقاد از دموکراتها ۱۳۶
- سیاست خارجی ایران (ایران و قدرت‌های بزرگ)** ۱۳۷
- الف) دوستیها** ۱۳۸
- آلمان دوستی ۱۳۸
- تمجید از عثمانی ۱۴۱
- دوستی اعراب ۱۴۱
- ب) دشمنیها** ۱۴۳
- عرب ستیزی ۱۴۳
- دشمنی با انگلستان ۱۴۴
- دشمنی با روسیه ۱۴۶
- دشمنی با آمریکا ۱۴۶

| | |
|----------|---|
| ۱۴۷..... | ناسیونالیسم (باستان گرایی) |
| ۱۵۱..... | ریشه ملت |
| ۱۵۲..... | الف) اشعار وطنی |
| ۱۵۸..... | ب) اشعار باستان گرایی |
| ۱۶۳..... | جهان وطنی (انترناسیونالیسم، کسموپولوژیسم) |
| ۱۶۶..... | آزادی |
| ۱۶۷..... | الف) آزادی در غرب |
| ۱۶۸..... | ب) آزادی در اسلام |
| ۱۷۲..... | مساوات و عدالت |
| ۱۷۶..... | تضاد طبقاتی |
| ۱۸۳..... | ادبیات کارگری |
| ۱۹۱..... | همدردی با بیچارگان |
| ۱۹۴..... | دعوت به اتحاد و همبستگی |
| ۱۹۷..... | قیام و مقاومت |
| ۲۰۱..... | مخالفت با جنگ |
| ۲۰۳..... | خفقان |
| ۲۰۷..... | خیانت |
| ۲۱۰..... | جمهوری |
| ۲۱۱..... | الف) مخالفان جمهوری |
| ۲۱۷..... | ب) موافقان جمهوری |
| ۲۱۹..... | غریبزدگی |
| ۲۲۳..... | دانش اندوزی |
| ۲۲۶..... | جهل و بی خبری |

| | |
|----------|------------------------------|
| ۲۲۹..... | مبارزه با خرافات |
| ۲۳۲..... | شکوه از روزگار |
| ۲۳۸..... | (ب) موضوعات اعتقادی و اخلاقی |
| ۲۳۹..... | عقاید غیر اسلامی |
| ۲۴۲..... | عقاید اسلامی |
| ۲۴۲..... | ۱- زن در آینه مشروطیت |
| ۲۴۴..... | الف) حجاب |
| ۲۵۰..... | ب) ستم بر زن |
| ۲۵۱..... | ج) وفا و مهر زن |
| ۲۵۲..... | د) تعدد زوجات |
| ۲۵۳..... | ه) مادر |
| ۲۵۵..... | ۲- حرمت شراب |
| ۲۵۶..... | ۳- ربا |
| ۲۵۷..... | ۴- تقدیر |
| ۲۵۸..... | موضوعات اخلاقی |
| ۲۵۸..... | ۱- آزرم |
| ۲۵۸..... | ۲- آز |
| ۲۵۹..... | ۳- ادب |
| ۲۵۹..... | ۴- انسان دوستی |
| ۲۶۰..... | ۵- بخل |
| ۲۶۰..... | ۶- بی وفایی |
| ۲۶۱..... | ۶- تربیت |
| ۲۶۱..... | ۸- تشویق به کار |

- ۹- دلجویی ۲۶۲
- ۱۰- راستی ۲۶۳
- ۱۱- رسوا ساختن جنایتکار ۲۶۳
- ۱۲- رشوه ۲۶۳
- ۱۳- شرم ۲۶۳
- ۱۴- شرمساری ۲۶۳
- ۱۵- عزم ۲۶۴
- ۱۶- عیب جویی ۲۶۴
- ۱۷- غم ۲۶۵
- ۱۸- فریب ۲۶۵
- ۱۹- فقر ۲۶۶
- ۲۰- قناعت ۲۶۶
- ۲۱- مناعت طبع ۲۶۶
- ۲۲- وظیفه شناسی ۲۶۷
- ۲۳- وفای به عهد ۲۶۷
- ۲۴- وقت شناسی ۲۶۸
- پند و اندرز ۲۶۹
- ارسال المثل ۲۷۵
- آیه ۲۷۶
- حدیث ۲۷۷
- کتابنامه ۲۷۹

چکیده

پیشگفتار

«اسلام بنیانگذار حکومتی است که در آن، نه شیوه‌ی استبداد حاکم است که آراء و تمایلات نفسانی یک تن را بر سراسر جامعه تحمیل کند و نه شیوه‌ی مشروطه و جمهوری [به سبک شرقی و غربی] که متکی بر قوانینی باشد که گروهی از افراد جامعه برای تمامی آن وضع می‌کنند، بلکه حکومت اسلامی، نظامی است ملهم و منبعث از وحی که تمام زمینه‌ها از قانون الهی مدد می‌گیرد و هیچ یک از زمامداران و سرپرستان امور جامعه را حق استبداد رأی نیست»^(۱)

بررسی و شناخت موضوعات و مضامین شعری هر دوره، شناخت مسائل و ویژگیهای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی آن دوره را می‌طلبد. زیرا آفرینش هر اثر هنری متناسب با محیط و خواسته‌های زمان صورت می‌گیرد که تکرار آن در تاریخ محال و یاهمان شرایط اجتماعی، سیاسی و فکری را می‌خواهد. در ابتدای کار، با اندک سرمایه علمی که داشتم، خود را در دریایی از مشکلات یافتم که امید رهایی و رسیدن به ساحل نبود. در صحرایی قرار گرفتم که غولان در پس بوته‌های خار، اندیشه و زبانم را به سوی خود می‌کشیدند. در این راه بسیاری از بزرگان که چهره و سیمایشان در تاریخ و زبان دروغین آن دگرگونه شده، به باران تهمت و تکفیر گرفتیم. چونان غرقی بودم که برای نجات از این دوره مهیب و برای داوری عادلانه، دست به هر آویزه‌ای می‌زدم ولی در میان راه ریشه‌ها را اسیر موجهای خطرناک و توفنده می‌دیدم.

به واقع دوره مشروطیت، زمان رویارویی تفکر اسلامی با تفکر غربی بود. گروهی با اندیشه ترقیخواهانه و گاه غربرزده و با سیاست‌بازی، بزرگترین قدرت و پیروزی را به دست آوردند در حالی که برخی از نیروهای صادق و وفادار به دین و مردم در زیر تهمت‌ها و تکفیرها و تفسیق‌ها، با تهمت حمایت از استبداد یا عضویت در لژبونه‌های خارجی و همکاری با استعمارگران در تنهایی و غربت جان سپردند.

این رساله از سه بخش تشکیل یافته است که در بخش آغازین، اندیشه و فرهنگ بنیانگذاران نهضت مشروطه، تضادهای فکری و جریانهای سیاسی و اجتماعی ایران از تشکیل اولین مجلس شورای ملی تا تاجگذاری رضاخان بررسی شده است. بخش دوم به زبان، تصویر و نوآوری در فرم شعر این دوره اختصاص یافته و در بخش سوم موضوعات مهم این دوره که برای نخستین بار در شعر فارسی و تاریخ ادبیات ایران تجلی یافته و یا از بسامد بالایی برخوردار بودند مورد بررسی قرار گرفته است.

در پایان لازم می‌دانم از دکتر فاطمی که با صفای دل و روحی بزرگ، لحظه‌های زیبایشان را صرف ایجاد این اثر کردند و از دکتر وحیدیان کامیار که همواره نگارنده را قرین راهنماییها و ارشادهای بسزا و شایان خود نمودند و از دکتر راشد محصل و دکتر انزابی‌نژاد که چونان دلیل و پیر وادی تحیر و سرگستگی در گذر از سختیها و تنگناهای کار، دستگیر بودند، تقدیر و تشکر نمایم از خداوند متان، بندگان می‌خواهم که مرا مدام در سایه بزرگواریهای ایشان قرار دهد.

سیداکبر حسن پور

بخش اوّل

بررسی جریانات فکری،
سیاسی و اجتماعی دوره
مشروطیت

هر نهضت و جنبشی در جامعه بر اساس اندیشه و تفکر و فرهنگ آن جامعه صورت می‌گیرد. نهضتی که چنین پایه و اساسی داشته باشد به سکون و ثباتی که انتظار می‌رود، می‌رسد. در غیر این صورت انتظارات جامعه، حصول خواهد پیوست و نهضت در مسیری خواهد افتاد که نه مردم آن را از خود خواهند دانست، نه برنامه‌های نهضت و مردم هماهنگ خواهد بود.

چنانچه استاد شهید مرتضی مطهری می‌گوید: «هر نهضت اجتماعی باید پشتوانه‌ای از نهضت فکری و فرهنگی داشته باشد و گرنه در دام جریان‌هایی قرار می‌گیرد که از سرمایه‌ای فرهنگی برخوردارند و جذب آنها می‌شود و تغییر مسیر می‌دهد و از طرف دیگر هر نهضت فرهنگی و اسلامی که بخواهد پشتوانه نهضت اجتماعی ما واقع شود، از متن فرهنگ کهن ما نشأت یابد و تغذیه گردد، نه از فرهنگ‌های دیگر. این که ما از فرهنگ‌های دیگر مثلاً؛ فرهنگ مارکسیستی یا اگزیستانسیالیستی و امثال اینها قسمت‌هایی التقاط کنیم و روکش از اسلام بر روی آنها بکشیم برای این که نهضت ما را در مسیر اسلامی هدایت کند کافی نیست. ما باید فلسفه اخلاق، فلسفه تاریخ، فلسفه سیاسی، فلسفه اقتصادی، فلسفه دین، فلسفه الهی خود اسلام را که از متن تعلیمات اسلام الهام می‌گیرد، تدوین کنیم و در اختیار افراد خودمان قرار دهیم.»^(۱)

نکته قابل تأمل این است که هدف از نهضت و ایجاد دگرگونی در ساختار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه، همیشه بایستی به سوی کمال و خیر انسانی و الهی باشد، در صورتی که نظام حاکم بر جامعه، نیازها و خواست‌های اکثریت مردم را فراهم نماید و مورد پذیرش مردم باشد، تغییر و دگرگونی در چنین نظامی سقوط و انحطاط خواهد بود.

این شیوه حرکت و تغییر نظام اجتماعی و سیاسی را در دوره مشروطیت با زمینه‌های فکری قبل از این دوره به روشنی می‌بینیم. اگرچه این حرکت و تغییرات توسط ایرانیان انجام می‌گرفت، با ژرفنگری و کاوش

بیشتر، ریشه‌های این حرکت و سرچشمه آن را در خارج از مرز و تحت تأثیر حرکت‌های اجتماعی و سیاسی غرب باید جست. چنانچه بورژواها که در کشورهای اروپایی در برابر دو طبقه دیگر یعنی؛ اشراف وابسته به کلیسا و اشراف حاکم بر سیاست و دولت به پا خاسته بودند و به کمک عوامل و نهادهای خود، از جمله؛ انجمن‌های سّری، می‌خواستند خود را از تسلط فئودالیته مذهبی و سیاسی آزاد سازند و از طریق این آزادی به جمع سرمایه و دارایی بپردازند. برای این منظور بورژواها فریاد «برابری» سر می‌دادند و می‌خواستند از نظر حقوق سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و قضایی با دو طبقه دیگر برابر باشند و این شعار با روح و نیاز مردم همسویی داشت و متناسب با فرهنگ و تمدنی بود که غرب در حرکت و جریان‌های تاریخی به آن دسترسی پیدا کرده بود.

این که مسائل و رویدادهای غرب چه ارتباطی با جامعه سنتی ایران و کشورهای جهان سوم داشت و هدف استعمارگران از نفوذ و تسلط بر کشورهای غنی با موقعیت جغرافیایی خاص، چون؛ ایران، هند و مصر چه بود به چهره دیگر کشورهای استعمارگر بر می‌گردد. گرچه این کشورها بر آن بودند که وضعیت اقتصادی و سیاسی خود را بهبود بخشند، در روابطشان با شرق سعی در ضعیف نگهداشتن و غارت مواد اولیه و سرمایه‌های کشورهای عقب نگهداشته شده بودند. برای این منظور و برای حفظ و گسترش سوداگری و تجارت جهانی خود در کشورهای شرق چهره‌هایی را تربیت و آماده می‌کردند و در ردیف هواخواهان خود در می‌آوردند که در حرکت‌های داخلی این کشورها نقشی داشته باشند و با شعارهای زیبا و فریبنده خود نظر مردم را به تمدن و فرهنگ غربی متوجه کنند تا حرکت از مسیر اصلی و زیربنایی خود منحرف گشته مآلاً، به جایی برسد که استعمارگران به دنبال آن خواسته و هدف هستند. در این راستا «اندیشه‌گران و سخنگویان تمدن بورژوازی غرب در کارزار خود بر ضد جهان آن سوی مرزهای اروپا در راه واژگون ساختن تاریخ، گام‌های بس دراز برداشتند... و طلایه داران عصر روشنگری در گفته‌ها و نوشته‌های خود به ناروا و دروغ به جهانیان باوراندند که جهان آن سوی مرزهای اروپا از مردمی وحشی، تشکیل یافته و تنها اروپاست که دربردارنده بالاترین تمدن است.»^(۱)

برخی معتقدند که نهضت مشروطیت ایران نتیجه گسترش آرام عقاید به داخل ایران است و این نهضت جبر تاریخی بوده و یک حرکت اجتناب‌ناپذیر براساس نظام اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران بوده است. در حالی که قبل از شروع نهضت و در جریان آن و پس از استقرار مشروطیت این آشکار شد که انگلستان گرچه خود مستقیماً دخالت نمی‌کند، با استفاده از مهره‌ها و شخصیت‌های تربیت شده خود در داخل انجمن‌ها و